



سال دوازدهم / بهار ۱۴۰۲

مطالعه موردی کلاب «جدال داغ»

• هادی خانیکی^۱، بهارک محمودی^۲، وحید اقدسی^۳

تاریخ دریافت: ۰۱/۱۱/۲۱، تاریخ تایید: ۰۲/۲/۲۵

DOR: 20.1001.1.38552322.1402.12.46.1.0

چکیده

نسبت شبکه‌های اجتماعی و حوزه عمومی یکی از مباحث پردامنه در حوزه مطالعات شبکه‌های اجتماعی است. مسئله اصلی این پژوهش، نسبت پلتفرم گفت‌وگو محور کلاب هاوس با حوزه عمومی است. برای تبیین این موضوع، یکی از اتاق‌های کلاب ایرانی «جدال داغ» در کلاب هاوس برای نمونه انتخاب و داده‌ها با تکنیک مشاهده مستقیم جمع‌آوری شد و کنش ارتباطی و گفت‌وگوهای کاربران حاضر در این اتاق، با استفاده از روش تحلیل مضمون تجزیه و تحلیل شد. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد «ایجاد دوقطبی و غیریت‌سازی، کنایه‌زدن، برچسب‌زدن، ترجیح منافع شخصی بر جمعی و تهدید به افشاگری» از مهم‌ترین مصادیق کنش غیرارتباطی و «ایجاد فضای باز گفتمانی، دعوت به بحث منطقی، رعایت انصاف، پذیرش خطا، استفاده از تعبیر محترمانه، رعایت نوبت در گفت‌وگو و هدایت گفت‌وگو» از مهم‌ترین مصادیق کنش معطوف به تفاهم توسط کاربران است. یافته‌های تحقیق همچنین نشان می‌دهد، گفت‌وگوی عقلانی - انتقادی کاربران با ویژگی‌هایی نظیر «بیان استدلال، ارائه شواهد، استفاده از آمار و بیان راه‌حل» تعریف می‌شود.

واژگان کلیدی: حوزه عمومی، کنش ارتباطی، هابرماس، شبکه اجتماعی، کلاب هاوس، تحلیل مضمون.

۱ استاد دانشگاه علامه طباطبایی hadikhaniki@gmail.com

۲ استادیار دانشگاه علامه طباطبایی Baharak.mahmoodi@gmail.com

۳ دانشجوی دکترای ارتباطات دانشگاه علامه طباطبایی (نویسنده مسئول) v.aghdasi@gmail.com

مقدمه و طرح مسئله

امروزه شبکه‌های اجتماعی فضای تعاملاتی جدید خلق کرده‌اند که از جهات گوناگونی متمایز از ارتباطات سنتی است. این شبکه‌ها، مفهومی نو از زندگی مجازی و شبکه‌ای، خلق و بنیان‌های معرفتی و معنایی جوامع را دستخوش تغییر و تحول کرده‌اند. «شبکه‌های اجتماعی مجازی فرصت تحرک و بالفعل شدن استعدادها را در سطحی وسیع‌تر امکان‌پذیر می‌کنند. به نظر می‌رسد این تحول در نگاه نخست افول اهمیت شبکه‌هایی مانند خانواده، گروه‌های دوستی و مجموعه‌های کاری باشد، اما در واقع تغییر ساختار تعاملی افراد در این شبکه‌ها و در نتیجه تغییر مدل به‌روز این شبکه‌های اجتماعی است» (Rainie & Wellman, 2012: 136).

آنچه این شبکه‌ها را از رسانه‌های توده‌ای^۱ متمایز می‌کند، ایجاد ارتباط تعاملی و دوسویه میان تولیدکنندگان و دریافت‌کنندگان پیام است. در این نوع ارتباط گیرنده منفعل نیست و فعالانه تعامل دارد و پویاست. رسانه‌های اجتماعی کمک فناوری‌ها به انسان در تغییر شیوه ارتباطی‌اش است (Erickson, 2011).

تبدیل ارتباطات به دیالوگ با استفاده از فناوری‌های مبتنی بر وب، تلفن همراه و ارتباطاتی که به گفت‌وگو منجر می‌شود، مهم‌ترین خصلت ارتباطات متحرک وب پایه محسوب می‌شود. از همین‌رو، خلق فضاهای جدید برای گفت‌وگو یکی از اصلی‌ترین مزایای شبکه‌های اجتماعی عنوان شده است و به همین اعتبار، برخی محققان معتقدند شبکه‌های اجتماعی می‌توانند به بسط حوزه عمومی کمک کنند. در سه سال اخیر، شبکه اجتماعی کلاب هاوس پلتفرمی مناسب برای گفت‌وگو در عرصه شبکه‌های اجتماعی شده است. این شبکه اجتماعی به‌صورت رسمی مارس ۲۰۲۰ توسط پل دیویسون^۲ و روهان ست^۳ ابتدا برای نسخه ios عرضه شد. این برنامه در دوران پاندمی کووید ۱۹ و در شرایطی که ویروس کرونا بسیاری از فعالیت‌های حضوری را به تعلیق درآورده بود، فعالیت خود را آغاز کرد. شاید به همین علت در ابتدای راه بسیار محبوب شد. به‌طوری‌که بعد از انتشار نسخه بتای آن حدود یک هزار و ۵۰۰ کاربر داشت،

1 Mass Media

۲ پل دیویسون (Paul Davison) سال ۲۰۱۲ هایلایت (highlight) را راه اندازی کرد. برنامه‌ای مبتنی بر موقعیت جغرافیایی که با ردیابی کاربران، به آن‌ها پروفایل افرادی را که در نزدیکی‌شان هستند و علایق مشترک دارند نشان می‌دهد. راه‌اندازی کلاب هاوس را می‌توان در ادامه هایلایت و در راستای علاقه اصلی دیویسون به مقوله ارتباط انسان‌ها با یکدیگر ارزیابی کرد. در واقع دغدغه اصلی او این است که چگونه می‌توان از فناوری استفاده کرد تا مردم بتوانند به شیوه‌های جدید با یکدیگر ارتباط برقرار کنند.

3 Rohan Seth

اما یک ماه بعد به ۱۰ میلیون نصب رسید و در همین مدت ارزشش از ۱۰۰ میلیون دلار به یک میلیارد دلار افزایش پیدا کرد. البته حضور برخی سلبریتی‌ها و چهره‌های معروف مانند ایلان ماسک و زاکربرگ در این شبکه اجتماعی در افزایش محبوبیت و رشد سهم آن مؤثر بود.^۱

کلاب هاوس از جنبه‌های گوناگونی با سایر شبکه‌های اجتماعی متمایز است؛ اگر توییتر مبتنی بر پیام‌های کوتاه و اینستاگرام مبتنی بر فیلم و عکس است، کلاب‌هاوس مبتنی بر صداست. به همین دلیل با پیام‌رسان‌هایی مانند فیس‌بوک، اینستاگرام، تیک‌تاک، واتس‌آپ متفاوت است. سایر شبکه‌ها از متن، عکس، ویدئو یا ترکیبی از آن‌ها استفاده می‌کنند، ولی در این شبکه اجتماعی، فعالیت‌ها به‌طور معمول گفت‌وگو، پنل، مناظره و بحث‌های تخصصی است. ساختار شبکه اجتماعی کلاب هاوس به‌گونه‌ای است که با صحبت کردن به کاربر عاملیت می‌دهد و این می‌تواند یک عامل انگیزشی مهم و امیدبخش برای آنان به حساب آید. کاربر می‌تواند به‌عنوان یک سخنران در تالار^۲ حاضر شود و نظرات خود را برای اعضای اتاق ابراز کند. ساختن پروفایل و معرفی کوتاه خود، امکان چت، به اشتراک‌گذاری اتاق به همراه بریده‌ای از پخش زنده آن در سایر پلتفرم‌ها فردیت را تقویت و گستره تعامل اعضا را افزایش می‌دهد. از همین‌رو کلاب هاوس پلتفرم مناسبی برای گفت‌وگوی میان کاربران است و شاید به بتواند به تقویت حوزه عمومی کمک کند.

البته در خصوص تأثیر شبکه‌های اجتماعی بر گسترش حوزه عمومی دیدگاه‌های متفاوتی بیان شده است. دیدگاه‌های آرمان‌گرایانه مرتبط با فناوری‌های جدید ادعا می‌کنند که آن‌ها دموکراتیزه شدن جامعه پسا صنعتی را با فراهم کردن فضایی برای بیان شخصی و تشویق فعالیت شهروندان تسهیل می‌کنند (Rheingold, 1993).

مطابق با این دیدگاه‌ها، پلتفرم‌های اجتماعی به سبب ویژگی‌هایی که دارند، بستر مناسبی برای گفت‌وگو و تبادل دیدگاه کاربران ایجاد کرده‌اند. چراکه امکان حضور و مشارکت تعداد زیادی از افراد را به‌صورت همزمان محقق می‌کنند و همین سبب می‌شود تا فضایی برای طرح دیدگاه‌های مختلف فراهم آید.

رینگولد، ویژگی گفت‌وگوهای اینترنتی را متفاوت از رسانه‌های نوشتاری می‌داند. به‌زعم او اولین ویژگی اینترنت آن است که گفت‌وگوها و مباحثات در حالتی کاملاً تساوی طلبانه صورت می‌گیرند و طرف‌های درگیر در گفت‌وگو از هژمونی خاص خود برای تخطئه دیگری استفاده

1 [https://en.wikipedia.org/wiki/Clubhouse_\(app\)](https://en.wikipedia.org/wiki/Clubhouse_(app))

2 Stage

نمی‌کنند. افراد در این مباحثات حضور فیزیکی ندارند و آنچه اهمیت دارد، صدا و اندیشه آن‌هاست (Rheingold, 1993). کوشین و کیتچنر نشان دادند که محبوبیت شبکه‌های اجتماعی همراه با کاهش هزینه دسترسی به اینترنت، جمع بیشتری را به بحث‌های سیاسی آنلاین کشانده است (Kushin & Kitchener, 2009).

تورنتون نیز جنبه‌های مؤثر شبکه‌های اجتماعی بر حوزه عمومی را چنین برمی‌شمارد: توانایی گروه‌های ذی‌نفع کوچک برای یافتن یکدیگر و برقرار کردن ارتباط، توانایی افراد و گروه‌های کوچک برای معرفی خود و ارائه نظراتشان به یکدیگر، دسترسی آسان به دیدگاه‌های گوناگون، بقا و ماندگاری مواد و اطلاعات در اینترنت و تعاملی بودن که باعث ارتباط بین گوینده و فرستنده می‌شود (مهدیزاده، ۱۳۸۹).

از طرف دیگر، نگاه‌های بدبینانه، دسترسی نابرابر به فناوری‌های جدید، کیفیت پایین بحث‌های آنلاین سیاسی، پراکندگی این بحث‌ها و در نتیجه قطبی شدن ضعف‌های حوزه عمومی آنلاین است. آن‌ها ادعا می‌کنند که اینترنت با احیای حوزه عمومی فاصله زیادی دارد، و اغلب اوقات به جای آن با وضعیت فعلی سازگار می‌شود (Papacharissi, 2008).

دسترسی و توزیع نابرابر امکانات و ابزارها نیز از جمله عواملی است که باعث عدم شکل‌گیری حوزه عمومی آنلاین می‌شود. این نابرابری صرفاً بر پایه حدود مرزهای فرهنگی شکل نگرفته و نابرابری‌های طبقاتی، جنسی، ملی و سیاسی را هم در برمی‌گیرد (Hague & Loader, 2005).

برخی محققان این فرضیه را مطرح کردند که شبکه‌های اجتماعی شکلی از حوزه عمومی آنلاین یا عمومی شبکه‌ای هستند، که به مدل‌های نظری محققان نزدیک‌تر از انواع دیگر انجمن‌های اینترنتی و گروه‌های بحث است. سانستین (۲۰۰۱) با گفتن اینکه اینترنت با ایجاد مناطق محصور مشورتی یا اتاق‌های انعکاس، به دلیل انتخاب فردی که کاربران از نظر انتخاب محتوا دارند، به تکه‌تکه شدن حوزه عمومی کمک می‌کند، یک گام فراتر می‌رود.

متأثر از این نظریات و دیدگاه‌ها، مسئله اصلی در این پژوهش این است که اساساً فضای گفت‌وگویی کلاب هاوس چه نسبتی با حوزه عمومی دارد؟ برای تبیین این مسئله، تحلیل فضای گفت‌وگویی یکی از کلاب‌های فارسی کلاب هاوس با عنوان «جدال داغ» مدنظر قرار گرفت و تلاش شد به‌طور مشخص به این سؤال‌ها پاسخ داده شود:

مهم‌ترین مضامین عقلانی در گفت‌وگوهای کاربران در کلاب جدال داغ کدام است؟

آیا کنش کاربران در کلاب جدال داغ ارتباطی و معطوف به تفاهم است؟ مهم‌ترین مصادیق این نوع کنش در میان کاربران چیست؟ فضای گفت‌وگویی کلاب جدال داغ تا چه اندازه با معیارهای حوزه عمومی موردنظر هابرماس مطابقت دارد؟

چارچوب نظری

دو نظریه حوزه عمومی^۱ و کنش ارتباطی^۲ هابرماس^۳ مبنای پژوهش حاضر را تشکیل می‌دهند. مفهوم حوزه عمومی یکی از مهم‌ترین کانون‌هایی بوده که نظریه دموکراتیک، در دوران ما، پیرامون آن شکل گرفته است. این مفهوم به فضاها و فرآیندهای ارتباطات اجتماعی آزاد، به لحاظ سیاسی مناسب و درعین حال مستقل دلالت می‌کند. (کوهن، ۱۳۸۳)

هابرماس معتقد است که افراد با استفاده از خرد جمعی به‌مثابه ابزار جدید و بدون سابقه تاریخی حوزه عمومی بورژوازی به تدریج توانستند حوزه عمومی تحت کنترل دولت را زیر سیطره خود درآورند و اقتدار دولت را به چالش بکشند. بحث‌های عقلانی-انتقادی، راهی بود که بورژواها برای تغییر شیوه سلطه در پیش گرفته بودند و سالن‌ها، قهوه‌خانه‌ها و کافه‌ها، کانون شکل‌گیری بحث‌ها و گفت‌وگوها شدند.

«دسترسی همگانی»^۴ از دید هابرماس مهم‌ترین ملاک سنجش افول و شکوفایی حوزه عمومی است؛ بر این اساس، حوزه‌ای که برخی گروه‌ها را قبول و برخی دیگر را طرد می‌کرد، حوزه عمومی نبود. به همین دلیل جماعتی^۵ که دولت قانون‌گرایی بورژوازی را بنا نهادند، حوزه عمومی را قلمرویی می‌دانستند که به عموم تعلق دارد و در راستای منافع عمومی است. مادامی که همه افراد دارای شانس مساوی برای ورود به حوزه عمومی بودند این حوزه به حیات خود ادامه داد. (habermas, 1991)

هابرماس، دولتی شدن جامعه و نفوذ جامعه درون دولت را عاملی می‌داند که تفکیک دولت و جامعه را از بنیان خراب کرد و در نتیجه آن گونه‌ای حوزه اجتماعی «بازسیاسی‌شده» شکل گرفت که در آن خبری از تفکیک حوزه‌های عمومی و خصوصی نبود. او همچنین به نقش

1 Public Sphere

2 Communication Action

3 Habermas

4 Public accessibility

5 The public

رسانه‌های توده‌ای در فروپاشی حوزه عمومی ادبی تأکید می‌کند که باعث شدند گونه‌ای حوزه مصنوعی شبه عمومی جایگزین آن شود که مصرف‌گرایی فرهنگ مهم‌ترین مشخصه‌اش است. به اعتقاد هابرماس، با نفوذ بازار در جوهر و خمیرمایه آثار فرهنگی، تغییرات جدی در حوزه مصرف فرهنگی رقم خورده است. آنچه امروز «فرهنگ توده‌ای» نامیده می‌شود ناشی از فروش فزاینده کالاهایی است که به‌منظور ارضای نیازهای رفاهی و تفریحی توده‌های مصرف‌کننده و بی‌سواد تولید می‌شود. این فرهنگ نه تنها نشانی از سیطره عمومی و جماعت منتقد ندارد؛ بلکه خود بحث و مباحثه را به‌صورت کالا به فروش می‌رساند. گفتگوهای رسمی پشت منابر، میزگردها و محافل بارزترین مصادیق این امر است. مصرف‌گرایی فرهنگی به تدریج از ارتباطات غیرکلامی و ارتباطات مجهز به ابزارهای دیداری و شنیداری جایگزین اشکال کلاسیک تولید ادبی شدند. رادیو، فیلم و تلویزیون چشم و گوش مخاطبان را جذب افسون خویش می‌کنند و درعین حال با از بین بردن فاصله، مخاطب را تحت قیمومیت خویش درمی‌آورند و فرصت اظهارنظر و ابراز مخالفت را از او می‌گیرند. امروزه با آمدن این رسانه‌ها تبادل نظر و سلیقه جایگزین بحث‌های انتقادی جماعت کتاب‌خوان شده است. درحالی‌که در طول قرن هجدهم جماعت کتاب‌خوان با ردوبدل کردن خصوصی نامه‌ها و همچنین با مطالعه رمان‌های روانشناختی و رمان‌های کوتاه نوعی ذهن مخاطب‌گرا پرورش داد که قادر بود آثار ادبی را مطالعه کند و در حوزه عمومی به بحث بپردازد

نظریه کنش ارتباطی نیز، مهم‌ترین تلاش فلسفی-اجتماعی هابرماس در دهه ۷۰ میلادی است. هابرماس در این کتاب ضمن تحلیل جامعه سرمایه‌داری بر این باور است که می‌توان با اخلاق و کنش ارتباطی در برابر سیطره عقل ابزاری و کنش هدفمند و بر مقاومت کرد. وی درصدد است تا نظریه‌ای را درباره جامعه مدرن و آسیب‌هایش توسعه بخشد و از این طریق به نقد جامعه معاصر بپردازد (توماسن، ۱۳۹۷).

این نظریه مبنایی برای هابرماس فراهم می‌کند تا از طریق آن کنش و زبان را با عقلانیت ترکیب و یک پارادوکس را حل کند؛ این‌که چطور در بستر روابط اجتماعی که عاملان یکدیگر را ابژه در نظر می‌گیرند و خرد به عقلانیت ابزاری تقلیل پیدا می‌کند، عقلانیت بتواند رهایی‌بخش نیز باشد. او در ارتباطات و زبان منبع خرد و رهایی را پیدا می‌کند.

ادعای هابرماس مبتنی بر این پیش‌فرض است که کنشگران در مقام گوینده و عمل‌کننده می‌توانند با بیش از یک جهان وارد ارتباط شوند و این‌که وقتی درباره چیزی در یک جهان

واحد با دیگری به تفاهم می‌رسند، ارتباط خود را بر نظمی از جهان‌ها که بین آن‌ها مشترک تصور می‌شود، بنا می‌نهند. او پیشنهاد می‌دهد که بیابیم جهان عینی بیرونی را به یک جهان عینی و یک جهان اجتماعی تقسیم کنیم و این‌که جهان درونی را به‌عنوان یک مفهوم مکمل برای جهان بیرونی ارائه دهیم (هابرماس، ۱۳۹۲).

مشخصه اصلی کنش ارتباطی، تلاش برای نیل به حصول تفاهم است؛ بر این اساس، هدف از ارتباط متقابل کنشگران، رسیدن به یک درک مشترک از طریق استدلال، وفاق و همکاری با یکدیگر است. در کنش ارتباطی، کنش‌های کنشگران نه با محاسبات خودخواهانه موفقیت، بلکه از طریق ایجاد تفاهم با یکدیگر هماهنگ می‌شود. در کنش ارتباطی مشارکت‌کنندگان در وهله اول معطوف به توفیق فردی نیستند؛ آن‌ها هدف‌های فردی را تحت هر شرایطی دنبال می‌کنند که بتوانند نقشه‌های کنش خود را بر مبنای تعریف مشترک از وضعیت هماهنگ کنند. هابرماس، به‌جای سمت‌گیری به‌سوی توفیق، به‌سوی تفاهم حرکت می‌کند و این سؤال را مطرح می‌کند که آیا مشارکت‌کنندگان نگرش معطوف به توفیق دارند یا نگرش معطوف به تفاهم؟ (Habermas, 1987)

پیشینه پژوهش

در خصوص حوزه عمومی و شبکه‌های مجازی، پژوهش‌های متفاوتی انجام شده است که در ادامه به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود.

احمد گل‌محمدی (۱۳۸۶) در پژوهش خود با عنوان «گفت‌وگو در فضای مجازی» سعی کرده به این سؤال پاسخ گوید که فناوری‌های ارتباطی-اطلاعاتی چه تأثیری بر امکان و وضعیت گفت‌وگو میان فرهنگ‌ها در فضای مجازی می‌گذارند. او با اتخاذ موضعی بدبینانه نتیجه گرفته که ماهیت و ساختار حوزه عمومی مجازی به‌گونه‌ای است که امکان ورود به آن و گفت‌وگو در درون آن را محدود و مخدوش می‌سازد؛ یک دسته عواملی هستند که دسترسی به حوزه عمومی را محدود می‌کنند و مانع از آن می‌شوند که نمایندگان فرهنگ‌های مختلف امکان یا فرصت نسبتاً برابر برای دسترسی به حوزه عمومی مجازی داشته باشند. دسته دوم هم عواملی است که مانع از شکل‌گیری گفت‌وگوی منجر به آگاهی فرهنگی می‌شوند.

در پژوهشی دیگر، هادی خانیکی و دیگران (۱۳۹۶) به تحلیل وضعیت شبکه‌های اجتماعی مجازی در ایران با رویکرد حوزه عمومی هابرماس از طریق مطالعه چند گروه فیسبوکی پرداخته‌اند. در این پژوهش ۸ گروه از میان گروه‌های فیسبوکی ایرانی فعال در زمینه مسائل

عمومی به صورت هدفمند انتخاب و با استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی مورد مطالعه قرار گرفتند. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که فیسبوک به‌رغم آن‌که زمینه دسترسی شهروندان به اطلاعات مختلف و امکان گفت‌وگو بر سر موضوعات مختلف را فراهم کرده است، به دلایلی همچون وجود توزیع نابرابر سرمایه‌های مختلف، خصلت سطحی بودن اطلاعات، ادامه‌دار نبودن مسائل مطرح‌شده، غلبه جلوه بر ایده، جنبه سرگرم‌کننده بودن مطالب، خصلت انتقادی نبودن مطالب، قابلیت تبدیل شدن به یک حوزه عمومی مجازی را ندارد.

یوسف خجیر در رساله دکترای خود (۱۳۹۷) به بررسی نقش شبکه‌های اجتماعی و نرم‌افزارهای پیام‌رسان موبایلی در تحول جامعه مدنی در ایران پرداخته است. بخشی از یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد فضای مجازی امکان گفت‌وگوی چالشی را در مورد موضوعات حساس فراهم نمی‌کند و این شبکه‌ها در ایجاد فضای گفت‌وگویی در جامعه مدنی ایران ضعیف هستند؛ بخشی از این ضعف، به دلیل ضعف گفت‌وگو در فضای واقعی و فقدان مهارت گفت‌وگو در بین ایرانیان عنوان شده است. همچنین در این پژوهش، صاحب‌نظران حوزه علوم ارتباطات، غلبه رویکرد احساسی بر عقلانی را یکی از چالش‌های فضای مجازی برای استفاده از شبکه‌ها و پیام‌رسان‌ها در جامعه مدنی ایران عنوان کرده‌اند.

حسین کرمانی نیز در پژوهش خود به بررسی حوزه عمومی و کنش ارتباطی در مکالمه‌های روزنامه‌نگاران ایرانی در تلگرام پرداخته است. او با تحلیل انواع کنش و همچنین وضعیت حوزه عمومی در مکالمه‌های روزنامه‌نگاران ایرانی نتیجه گرفته است که با وجود برخی نشانه‌ها دال بر کنش ارتباطی، آنچه در این مکالمه‌ها رخ می‌دهد فاصله زیادی با شکل‌گیری حوزه عمومی خرد دارد (کرمانی، ۱۳۹۶).

در پژوهش‌های خارجی، منصوری‌فر و دیگران (۲۰۲۱) در کار خود با عنوان «تشخیص سخنان نفرت‌انگیز در کلاب هاوس» به سنجش اثربخشی روش‌های تشخیص سخنان نفرت‌پراکن در شبکه اجتماعی کلاب هاوس پرداخته‌اند. آن‌ها تأکید می‌کنند که این شبکه اجتماعی منبع عظیمی از داده‌ها را در اختیار محققان قرار می‌دهد. داده‌های این پژوهش از اتاق‌هایی در کلاب هاوس که به موضوع درگیری میان اعراب و اسرائیل اختصاص داشت، جمع‌آوری شده و سپس محققان به شناسایی سخنان تهاجمی و نفرت‌پراکن در میان گفت‌وگوهای مطرح‌شده در اتاق‌ها پرداخته‌اند. آن‌ها اشاره می‌کنند که تشخیص سخنان نفرت‌پراکن در کلاب هاوس چالش‌برانگیز است؛ چرا که تا پیش از این چنین کاری در رابطه با

داده‌های متنی همچون توییتر صورت می‌گرفته است. «فراتر از آن صدا مجموعه اساساً متفاوتی از چالش‌ها را برای مدیران ارائه می‌دهد تا ارتباطات مبتنی بر متن». آن‌ها در پژوهش خود بیان می‌کنند که یکی از مشکلات موجود در این شبکه اجتماعی این است که افراد معمولاً سعی می‌کنند مؤدب و تحصیل کرده به نظر برسند و همچنین سخنان تهاجمی یا نفرت‌پراکن خود را به شکلی مطرح می‌کنند که توسط مدیران گروه حذف نشوند. آن‌ها همچنین نشان می‌دهند که مباحث مطرح‌شده طیف گسترده‌ای از موضوعات از تاریخ تا مذهب، سیاست، فلسفه و اقتصاد را در برمی‌گیرد و این را به‌عنوان ظرفیت این شبکه برای گردهم‌آیی افراد با دیدگاه‌های متفاوت می‌دانند. در این پژوهش این نکته نیز مورد تصریح قرار می‌گیرد که موضوعات مورد مناقشه (نظیر درگیری اعراب و اسرائیل) می‌تواند عامل جذب افراد با ملیت‌های مختلف برای بحث و گفت‌وگو باشد. آن‌ها در تحقیق خود از سه رویکرد ^۱ Bag of Word، ^۲ Word2vec و ^۳ Perspective Scores برای تشخیص سخنان نفرت‌پراکن استفاده کردند و نشان دادند که روش perspective Scores عملکرد بهتری از دو روش دیگر برای تشخیص سخنان نفرت‌پراکن در این پژوهش داشته است. (Mansourifa, 2021)

همچنین توماس هاو و لویس فریدلند در پژوهش خود، با عنوان «حوزه عمومی شبکه‌ای شده» با اتکا به نظریات هابرماس درصدد تبیین مفهوم حوزه عمومی شبکه‌ای هستند. به اعتقاد آن‌ها در آغاز دهه ۱۹۹۰ گذار به فردگرایی شبکه‌ای پیش‌زمینه اجتماعی لازم را برای رشد چشمگیر فناوری‌های شبکه‌ای ایجاد کرد و حوزه عمومی معاصر را تحت تأثیر قرارداد. به باور آن‌ها خود معماری شبکه، همراه با کاهش شدید هزینه‌های تبدیل‌شدن به یک سخنران، به افراد اجازه می‌دهد تا در حوزه عمومی در مقیاسی بی‌سابقه شرکت کنند. این کاهش هزینه‌ها منجر می‌شود تا مشارکت‌کنندگان بیشتر و بزرگ‌تری در گفت‌وگو پدید آید.

آن‌ها استدلال می‌کنند حوزه عمومی شبکه‌ای چالش‌های تجربی و نظری قابل‌توجهی را برای مدل متأخر هابرماسی ایجاد می‌کند؛ نخست، پرسش‌های جدی در مورد ساختار زیربنایی کنش ارتباطی و رابطه آن با ساختارهای بزرگ‌تر گفتمان عمومی ایجاد می‌کند. در وهله دوم، مدل

۱ مدلی برای پردازش زبان طبیعی و بازیابی اطلاعات است (Wikipedia).

۲ تکنیکی برای پردازش زبان طبیعی است که از یک مدل شبکه عصبی برای یادگیری تداعی کلمات از مجموعه بزرگی از متن استفاده می‌کند (Wikipedia).

۳ نوعی الگوریتم هوشمند که برای شناسایی کلمات توهین آمیز به کار می‌رود.

ساختاری-کارکردگرای حوزه عمومی نیازمند بازنگری برای یک محیط شبکه‌ای است. ارتباطات شبکه‌ای اجازه می‌دهد تا حوزه عمومی به صورت توزیعی سازماندهی شود، با مشارکت‌های متعدد در محیطی که به طور قابل توجهی بازتر از مدل تکه‌ای است (Friedland, 2006).
 مرور پژوهش‌ها و تحقیقات پیشین، نشان می‌دهد که تاکنون عمده پژوهش‌های صورت گرفته، یا از منظری صرفاً نظری موضوع حوزه عمومی در شبکه‌های اجتماعی را مدنظر قرار داده‌اند و یا متمرکز بر پلتفرم‌های دیگری همچون تلگرام یا فیسبوک انجام شده‌اند و در بررسی‌های محقق تاکنون پژوهشی یا این مسئله بر روی شبکه اجتماعی کلاب هاوس انجام نشده است. از این حیث، این پژوهش بدیع و نو به حساب می‌آید و می‌تواند به تقویت ادبیات نظری حول کلاب هاوس کمک رساند.

روش تحقیق

پژوهش حاضر کیفی است. داده‌های تحقیق با استفاده از تکنیک مشاهده مستقیم جمع‌آوری و سپس با استفاده از «تحلیل مضمون»^۱ تحلیل و طبقه‌بندی شده‌اند. ابتدا محقق در چندین اتاق^۲ کلاب جدال داغ حضور یافت تا با فضای عمومی حاکم بر آن آشنا شود. سپس در اتاقی که به عنوان نمونه نهایی انتخاب شد، با مشاهده بدون مشارکت علاوه بر دنبال کردن فضا و سیر گفت‌وگوها، یادداشت‌برداری‌های اولیه را انجام داد. این روش به محقق امکان می‌دهد تا به نحوه وقوع یا عملکرد یک پدیده در عالم واقع پی ببرد. براساس تیپولوژی گلد (۱۹۵۸) ناظر صرف به منظور اجتناب از تأثیرگذاری بر رویدادهای مورد مشاهده از آن‌ها فاصله می‌گیرد. در این حالت، افراد تحت مشاهده از مورد مشاهده بودن خود بی‌اطلاع می‌مانند و بنابراین سوگیری در رفتار یا گفتار خود نخواهند داشت (فلیک، ۱۳۹۳: ۲۴۰).

پس از پایان یکی از اتاق‌های این کلاب و تبدیل صوت به متن، کار تحلیل اولیه روی صحبت‌های کاربران انجام شد. در این مرحله، ابتدا بریده داده‌ها^۳ استخراج و متناظر با آن کدهای اولیه^۴ ساخته شد. (کدگذاری توصیفی) در مرحله دوم، با مرور و بررسی چندباره، برخی از کدهای غیرضروری حذف و برخی در یکدیگر ادغام شدند (کدگذاری تفسیری) تا به این ترتیب مضامین اصلی (براساس چارچوب نظری پژوهش) استخراج شوند.

1 Thematic Analysis

2 Room

3 Data extract

4 Basic item

همچنین در تحلیل انجام شده ویژگی‌های عمومی کلاب و گفت‌وگوهای کاربران حاضر در آن از منظر شاخص‌های زیر مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند: (جدول شماره ۱)

عنوان کلاب، زمینه فعالیت، تعداد فالورها، مدیران، اعضاء، میزان فعالیت کلاب، سابقه فعالیت، نشست‌های برگزار شده	ویژگی‌های عمومی کلاب
کنش‌های معطوف به ایجاد تفاهم یا کنش ابزاری، پاسخ با برخورد با انتقاد، عذرخواهی از سایر کاربران، استفاده از کلمات احترام‌آمیز یا توهین‌آمیز، بحث کردن در چارچوب موضوع یا خارج از موضوع	کنش ارتباطی کاربران کلاب
مضامین اصلی گفت‌وگوها، طرح ادعا یا بیان استدلال، مضامین عقلانی-انتقادی در گفت‌وگوها	تحلیل مضامین گفت‌وگوهای کاربران کلاب
مدیر، سخنران، شنونده	نقش اعضا
تعداد کاربران آنلاین، مجموع کاربران آفلاین و آنلاین	ترافیک کلاب

در این پژوهش سعی شد علاوه بر موارد ذکر شده در جدول فوق، جریان ارتباطی و فضای گفت‌وگویی کاربران، نحوه پیشبرد گفت‌وگو و مشارکت کاربران در کلاب مورد نیز مورد تحلیل و بررسی قرار گیرد. همچنین مواردی که به نقض حوزه عمومی منجر می‌شد، نیز مورد توجه قرار گرفت؛ مواردی مانند اینکه کاربران تا چه اندازه در مباحث خود به بیان استدلال می‌پرداختند یا به مباحث احساسی و هیجانی روی می‌آوردند یا سطح و کیفیت گفت‌وگوها را به دعوای سیاسی رایج تنزل می‌دادند.

برای انتخاب کلاب جدال داغ به عنوان نمونه نیز چند شاخص مورد توجه قرار گرفت. اول این که این کلاب، با نزدیک به ۶۰ هزار دنبال‌کننده^۱ یکی از پرمخاطب‌ترین کلاب‌های فارسی‌زبان و در عین حال از نخستین آن‌ها به حساب می‌آید. دوم، عضویت تعداد زیادی از روزنامه‌نگاران و چهره‌های شاخص سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و دانشگاهی در این کلاب است. این ویژگی از آنجایی اهمیت دارد که عموماً این چهره‌ها به عنوان گروه‌های مرجع در جامعه شناخته می‌شوند. لذا نوع و کیفیت حضور آنان، در بسط و گسترش فرهنگ گفت‌وگو و به تبع آن تقویت یا تضعیف حوزه عمومی تأثیر زیادی دارد. سوم این که، کلاب جدال داغ عکس العمل سریعی نسبت به موضوعات خبری روز نشان می‌دهد که باعث می‌شود عمده اتاق‌های این کلاب با استقبال کاربران مواجه شود و فضای کلاب هاوس فارسی را تحت تأثیر قرار دهد.

1 Follower

یکی از تفاوت‌ها و به نوعی محدودیت‌های اصلی پژوهش، به خصلت صوت محور بودن کلاب هاوس مربوط می‌شود. برخلاف پلتفرم‌هایی مانند تلگرام، توئیتر، فیسبوک یا اینستاگرام که مجموعه مکالمات یا پست‌های کاربران همواره در دسترس هستند، در کلاب هاوس محقق ناچار است برای جمع‌آوری داده‌ها، اقدام به پیاده‌سازی گفت‌وگوها کند و سپس داده‌های نامرتب را حذف و کار تحلیل خود را آغاز کند که همین مسئله فرآیند جمع‌آوری داده را سخت و طولانی می‌کند.

یافته‌های تحقیق

اول) توصیف اولیه

همان‌طور که قبلاً ذکر شد، کلاب جدال داغ، یکی از کلاب‌های فعال ایرانی در کلاب هاوس است. در توضیح این کلاب آمده است: «گپ‌وگفت درباره آنچه اهمیت دارد». سازنده و مدیر اصلی^۱ کلاب، از روزنامه‌نگاران سابق و شناخته شده کشور است که از ابتدای ورود کلاب هاوس به ایران، عمده فعالیت‌های آنلاین خود را متمرکز روی این پلتفرم کرد و از همین‌رو توانست در مدت کوتاهی توانست تعداد دنبال‌کننده خود را به ۱۰۰ هزار نفر برساند. این کلاب دو مدیر دیگر نیز دارد. یکی روزنامه‌نگار اقتصادی است و ۲۱ هزار دنبال‌کننده دارد و دیگری که خود را فعال بازار انرژی معرفی کرده است ۱۰ هزار دنبال‌کننده دارد؛ یعنی در مجموع، مدیران این کلاب، بیش از ۱۳۰ هزار دنبال‌کننده در کلاب هاوس دارند که عدد قابل توجهی است. عمده اتاق‌های این کلاب به موضوعات سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی روز کشور اختصاص یافته است. قاعده‌ای که در این کلاب وجود دارد، استفاده از تیتراهای به اصطلاح ژورنالیستی و جذاب برای اتاق‌ها است که در جذب کاربران بی‌تأثیر نبوده است. اتاق مورد مطالعه در این پژوهش، دقایقی پس از گفت‌وگوی زنده رئیس‌جمهور در تلویزیون و باهدف تحلیل و تفسیر سخنان وی در خصوص طرح جراحی اقتصادی دولت با عنوان «پسا گفت‌وگوی رئیس‌جمهور با مردم؛ زمان نامعلوم یارانه و حمله به دولت قبل» انجام شد. زمزمه‌های طرح جراحی اقتصادی و آزادسازی ارز ترجیحی از چند ماه قبل در رسانه‌ها مطرح و افکار عمومی را به خود مشغول ساخته بود؛ طرحی که از آن به‌عنوان مهم‌ترین طرح دولت سیزدهم پس از روی کار آمدن، یاد می‌شود سرانجام در اردیبهشت ۱۴۰۱ و با اعلام رئیس‌جمهور جنبه عملی

1 Moderators

به خود پیدا کرد. فراگیری و تأثیر جدی و ملموس این طرح روی معیشت مردم سبب شد تا این نشست با استقبال گسترده کاربران مواجه شود و نزدیک به ۴ هزار نفر به صورت آنلاین و به تناوب از آغاز تا انتهای نشست در آن حضور یافتند. در مجموع کاربران آنلاین و آفلاین ۲۰ هزار نفر، همه یا بخش‌هایی از این نشست را دنبال کرده‌اند. این نشست ۶ ساعت به طول انجامید که خود نیز نشان از اهمیت و دغدغه جدی کاربران نسبت به موضوع دارد.

نشست با صحبت‌های مدیر کلاب و حضور ۴۰۰ کاربر آنلاین آغاز شد؛ او ابتدا توضیحاتی در خصوص موضوع و هدف نشست مطرح و رئیس محوری سخنان رئیس‌جمهور را به صورت خلاصه بیان می‌کند. این مقدمه به کاربرانی که مصاحبه رئیس‌جمهور را ندیده‌اند کمک می‌کند در جریان کلیت مصاحبه و نکات اصلی مطرح‌شده قرار بگیرند. محوریت اقتصادی موضوع نشست باعث شد تا غالب کاربرانی که وارد تالار^۱ شدند و به بیان دیدگاه‌های خود پرداختند، ترکیبی از روزنامه‌نگاران یا تحلیل‌گران حوزه اقتصاد باشند که برخی از آن‌ها نیز در سپهر عمومی و رسانه‌ای کشور از چهره‌های شناخته‌شده به حساب می‌آیند.

دوم) تحلیل مضامین گفت‌وگوها

در گفت‌وگوهای موردبررسی، که به بهانه مصاحبه تلویزیونی رئیس‌جمهور انجام شد، نقد طرح و عملکرد دولت جدید از زمان روی کار آمدن، به موضوع اصلی نشست تبدیل شد و عموم کاربران با رویکردی انتقادی به بیان دیدگاه‌های خود پرداختند. البته با توجه به موضوع اصلی نشست، بیشتر دیدگاه‌های ناظر به مسائل اقتصادی بود، اما در دقایقی از نشست نیز مسائل سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و بین‌المللی گره می‌خورد. مواجهه بیشتر کاربران با گفت‌وگوی رئیس‌جمهور و طرح آزادسازی نرخ ارز ترجیحی انتقادی است و از مجموع کاربرانی که در تالار حاضر شدند، فقط ۲ نفر در حمایت از وی و برنامه‌هایش صحبت کردند. منتقدان نیز خود به دو گروه کلی قابل‌تفکیک‌اند؛ عده‌ای که معتقدند دولت این طرح را باهدف جبران کسری بودجه خود اجرا کرده است و در مقابل گروهی که معتقدند اساساً این طرح ارتباطی به کسری بودجه دولت پیدا نمی‌کند.

به‌زعم هابرماس، یکی از ویژگی‌های حوزه عمومی، این است که مباحث از خصلتی عقلانی-انتقادی برخوردارند. از همین‌رو، تلاش شد تا مضامینی که نشان‌دهنده عقلانیت در دیدگاه‌های

کاربران است مورد شناسایی قرار گیرد. برای این منظور، با تحلیل و دسته‌بندی دیدگاه‌های کاربران و حذف موارد غیرضروری، مقوله‌هایی مانند؛ ارائه شواهد، بیان راه‌حل، عدم کلی‌گویی، بیان علمی و عدم شعارزدگی، به‌عنوان ویژگی‌های یک گزاره یا ادعای عقلانی در دیدگاه‌های کاربران شناخته شدند. برای مثال وقتی یکی از کاربران ادعای حمایت مجموعه حاکمیت از دولت در اجرای این طرح را مطرح می‌کند، صحبت‌های رهبری و رئیس قوه قضاییه را -که همان روز انجام‌شده بودند- به‌عنوان شاهد ادعای خود ارائه می‌کند. یا کاربر دیگری با استناد به فایل صوتی منتشرشده از مدیر رادیو فرهنگ، مدعی می‌شود که بناست رسانه‌های شناسنامه‌دار و رسمی از حجم انتقادهای خود از دولت بکاهند. همچنین کاربر دیگری معتقد است «این طرح یک کسری بزرگ دارد» و برای ادعای خود به آمارهای اقتصادی متوسل می‌شود و منطق اقتصادی خود در خصوص این طرح را بیان می‌کند. برخی کاربران دیگر سعی کردند ضمن نقد این طرح راهکارهای خود برای بهبود وضعیت اقتصادی کشور را نیز ارائه دهند. پذیرش حاکمیت قانون، باز گذاشتن دست بخش خصوصی، مبارزه با ساختارهای فسادزا و مافیای فساد از جمله راهکارهایی است که توسط برخی از کاربران حاضر در اتاق مطرح شدند.

در مقابل، برخی کاربران یا دست به کلی‌گویی زدند مانند این ادعا که «آقای رئیسی تو انتخابات گفت ۷ هزار صفحه برنامه اقتصادی داریم ولی تا الان یک صفحه‌اش رو هم ندیدیم» و یا برای ادعای خود مستندی عرضه نکردند. چنان‌که یکی از کاربران گفت: «هیچ دولتی بعد از انقلاب تو کمتر از یک سال این‌همه تزلزل اعتماد و اعتبار نزد نخبگان و نیروهای فکری نداشته»، ولی شواهد یا استدلالی برای این ادعای خود مطرح نکرد. از همین‌رو، مواردی این‌چنینی را می‌توان به‌عنوان مصادیق نقض گفت‌وگوی عقلانی مطرح کرد که البته در قیاس با سایر مضامین نظیر بیان استدلال، استفاده از آمار و ارائه شواهد کمتر مشاهده شدند و از همین رو می‌توان گفت که در مجموع ویژگی عقلانی - انتقادی بر مجموع دیدگاه‌های کاربران حاکم بود.

در جدول زیر (جدول شماره ۲) مصادیقی از مضامین عقلانی و موارد نقض آن ارائه‌شده است:

استفاده از آمار	<ul style="list-style-type: none"> • ارزش‌ترجیحی سال گذشته ۱۶ هزار میلیارد بود. تخمین ما این‌که ۶ هزار مربوط به دارو و گندمه. اختلاف ارزش‌ترجیحی و نیمایی هم ۲۱ هزار تومن. یعنی کل منبع دولت برای حذف ارزش ۲۱۰ هزار میلیارد تومن. یارانه‌ای که دولت قراره پرداخت کنه میشه ۳۰۰ هزار میلیارد تومن. یعنی ۹۰ هزار میلیارد تومن بیشتر از چیزی که دستشون میاد..... این طرح یک کسری بزرگ داره. ما نمی‌تونیم بیشتر از منابع مومن پول پرداخت کنیم و این خلاف قانونه.
	<ul style="list-style-type: none"> • صحبت‌های امروز رهبر انقلاب و ادبیات حاکم بر اظهارنظرهای سران نظام [اشاره به سخنان

رئیس قوه قضاییه انشون داد که حمایت کامل از دولت دارن و می‌خوان که دولت سربلند از این پروژه [آزادسازی نرخ ارز] بیرون بیاد.	ارائه شواهد
• صحبت‌های مدیر رادیو فرهنگ نشون میده که بناست انتقاد به دولت و رئیس‌جمهور در رسانه‌های رسمی و شناسنامه‌دار کم بشه.	
• [نظام] یا باید ساختارهای فساد رو تسویه کنه و با مافیای فساد مبارزه کنه یا قیمت حامل‌های انرژی رو آزاد کنه.	ارائه راهکار
• [نظام] احکامیت قانون رو بپذیره و دست بخش خصوصی رو باز بذاره.	
• گفت‌وگو با مردم باید قبل از گرون کردن انجام می‌شد نه بعدش.	
• این که رئیسی به دولت قبل حمله میکنه نشون دهنده اینه که یک ضعفی در دولت وجود داره؛ ضعف سیاسی، اقتصادی یا هویتی. مثل احمدی‌نژاد که می‌خواست با حمله به خاتمی و هاشمی هویتی برای خودش بسازه.	بیان استدلال
• کمر اقتصاد کشور زیر سوبسیدها شکسته. قیمت حامل‌های انرژی خیلی ارزونه، آب یک موضوع بی‌ارزشه. چون قیمتشون واقعی نیست، ارزشمند هم نیست. این‌جوری به چالش‌های بزرگ برمی‌خوریم.	
• آقای رئیسی تو انتخابات گفت ۷ هزار صفحه برنامه اقتصادی داریم ولی تا الان یک صفحه‌اش رو هم ندیدیم.	کلی‌گویی
• این تیم اقتصادی نمی‌تونه حذف ارز ترجیحی رو اجرا کنه. نه فهم دارن و نه توان اجرایی. فهمشون هم با هم متفاوته.	ادعای بدون سند
• دولت از رأس تا ذیلش توان اجرای این طرح بزرگ رو نداره.	
• هیچ دولتی بعد از انقلاب تو کمتر از یک سال این‌همه تزلزل اعتماد و اعتبار نزد نخبگان و نیروهای فکری نداشته.	

همان‌طور که در جدول فوق آمده است، در مواردی کاربران، در بیان دیدگاه خود کلی‌گویی می‌کنند یا برای ادعای خود شواهدی عرضه نمی‌کنند؛ در این صورت مدعای آنان غیرعقلانی محسوب می‌شود. با این حال، بخش عمده کاربران حاضر در تالار سعی می‌کنند از طریق بیان استدلال یا ارائه شواهد یا استفاده از آمار و ارقام مدعای خود را در چارچوبی استدلالی ارائه دهند. از این نظر، این نحوه ارائه گفت‌وگو، برخلاف روال معمول در شبکه‌های اجتماعی است که غلبه با مباحث و دیدگاه‌های هیجانی و احساسی است، یک نقطه مزیت برای این اتاق به شمار می‌آید.

سوم) تحلیل کنش‌های ارتباطی کاربران

بخش دیگری از یافته‌ها مربوط به تحلیل کنش‌های ارتباطی کاربران حاضر در این کلاب است. برای پاسخ به این پرسش که آیا کنش‌های کاربران معطوف به تفاهم است یا ابزاری است، صرفاً

روی نحوه ارتباط کاربران با یکدیگر تمرکز شد. «کنش متقابل اجتماعی فرآیندی است که در آن مردم در ارتباط با دیگران دست به کنش و واکنش می‌زنند.» (عضدانلو، ۱۳۸۴: ۵۰۸) به این منظور، کنش‌های کاربران از نظر نحوه ادبیات و به کار بردن زبان (استفاده از کلمات احترام‌آمیز، توهین نکردن، عدم تخریب)، رعایت قواعد گفت‌وگو (گوش دادن به سخن سایرین، عدم قطع صحبت سایر کاربران، رعایت نوبت، اجازه صحبت گرفتن، در چارچوب موضوع بحث کردن)، ایجاد فضای باز گفتمانی (اجازه صحبت دادن به همه، یک‌طرفه نبودن مباحث، تنوع سخنرانان) به‌عنوان مصادیق کنش معطوف به تفاهم و کنایه‌زدن، ترجیح منفعت شخصی، دوقطبی‌سازی و تهدید به افشاگری به‌عنوان مصادیق نقض کنش ارتباطی شناسایی شد.

یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که در اغلب موارد، کنش‌ها معطوف به تفاهم است؛ نظیر موضع‌گیری ابتدایی مدیر اتاق که از حامیان دولت برای پاسخگویی و ابراز نظر دعوت می‌کند. یکی از مدیران دیگر اتاق نیز می‌گوید: «...بحث‌های قبلی به سمت بیان دستاوردها رفت و از سمت دیگر هم حالت مقابله‌ای شکل گرفت و نشد که زیاد تکنیکال و اثرگذار بحث کنیم...لطفاً بحث‌های سیاسی کمتر کنیم و بیشتر اقتصادی حرف بزنیم.» تأکید بر انجام بحث‌های تخصصی که منجر به شکل‌گیری گفت‌وگوهای عقلانی-انتقادی می‌شود، نیز از مصادیق کنش معطوف به تفاهم به حساب می‌آید.

یکی دیگر از مصادیق «کنش معطوف به تفاهم» در این اتاق، زمانی بود که یکی از روزنامه‌نگاران خارج از کشور نقدی به طرح اقتصادی دولت وارد ساخت، یکی از چهره‌های سیاسی حامی دولت در پاسخ به وی گفت: «از شما تشکر می‌کنیم که همیشه با حفظ احترام سؤال‌های خود را مطرح می‌کنید». این نوع مواجهه با کسی که از نظر سیاسی کاملاً در دو سر مقابل یکدیگر تعریف می‌شوند، در فضاهای آنلاین کمتر دیده می‌شود. یا در موارد دیگری، وقتی کاربری در میان صحبت کاربر دیگری وارد می‌شد، از عباراتی نظیر «اجازه دهید همین‌جا نکته‌ای عرض کنم» یا «اجازه دهید عرضم را تمام کنم» استفاده می‌کردند نشانگر رعایت ادب و احترام به‌عنوان یکی که از پیش‌نیازهای اصلی گفت‌وگو است.

مشاهدات محقق همچنین نشان می‌دهد که سرمایه اجتماعی و نمادین برخی از کاربران در دعوت از آن‌ها به تالار برای طرح دیدگاه خود تأثیرگذار است؛ چرا که عموم کاربران حاضر در تالار از چهره‌های رسانه‌ای، اقتصادی و سیاسی مطرح کشور بودند و تعداد کمی از کاربران عادی به‌عنوان سخنران در تالار حضور پیدا کردند. از طرفی دیگر، نوع خطاب قرار دادن مدیر

کلاب توسط سایر کاربران، نیز نشان از وجود رابطه و دوستی خارج از فضای کلاب هاوس دارد که در محیط آنلاین نیز تداوم یافته است.

تحلیل کنش کاربران همچنین نشان داد که در دو مورد که کنش ابزاری بر کنش کاربران غلبه پیدا کرد، به عنوان مثال، وقتی یکی از کاربران حاضر در تالار در مقام مخالفت با منتقدان صحبت کرد و مدعی شد: «مسائل اقتصادی کشور پیچیده تر از اونه که با سطح سواد کلاب هاوس قابل تحلیل باشه» با واکنش تند مدیر گروه روبه رو شد. در این لحظه، بحث از حالت گفت و گویی خارج شد و مدیر گروه با ساخت نوعی دو قطبی (علاقه مند به نظام - خائن به نظام) از «دیگری» سخن به میان آورد که به ادعای او، با وی و فعالان رسانه‌ای پیرامونش زاویه دارند. او گفت: «ما از هیچ طرفی ساپورت نمی‌شویم، بدون چشمداشت الان که ساعت نزدیک یک صبحه وقت گذاشتیم افاق فکر درست کردیم، حالا ما باید مورد هدف قرار بگیریم؟ انگشت اتهامتون سمت ماست؟ واقعاً خجالت آورده!.. هر کدام از اساتید این گروه وزنه‌ای برای خودتون هستند و انبانی از تجربه‌اند... کل صداوسیما با مدیران خام و جوون که سودای دیده شدن دارند، توان برگزاری این تالار رو ندارند، حاکمیت باید دست ما رو ببوسه... البته نخبه‌کشی در ذات این سیستم نهادینه شده و کلی آدم باید از این کشور مهاجرت کنن». او در حالی که تن صدایش را بالا برده بود و با شدت کلمات و جملات را ادا می‌کرد، تهدید به افشاگری نیز می‌کند: «ما به خاطر نظام هی سکوت می‌کنیم، نذارید زبانمون باز بشه، از حیای ما سوءاستفاده نکنید، شماها خودتون رو به اون راه زدید یا ما رو اون طوری فرض کردید...» بیان این جملات با لحنی توأم با عصبانیت که در درون خود متضمن منافع شخصی است، مصداقی از کنش ابزاری است که باعث می‌شود جریان گفت و گو مختل شده و درعین حال، این پیام را به سایر کاربرانی که موضعی در مخالفت با مدیر کلاب دارند می‌رساند که در صورت بیان دیدگاه خود با چنین واکنشی مواجه خواهند شد. در نتیجه احتمال حضور آن‌ها در تالار برای سخنرانی کاهش خواهد یافت.

در جدول زیر (جدول شماره ۳) مصادیقی از کنش‌های معطوف به تفاهم و موارد نقض آن آمده است.

<ul style="list-style-type: none"> • مسائل اقتصادی کشور پیچیده تر از اونه که با سطح سواد کلاب هاوس قابل تحلیل باشه... با دانش اقتصادی کلاب هاوس که همیشه افاق اقتصادی دولت رو نقد کرد. باید اهلهش حرف بزنین. • اگه در حد حرف زدن به ما اجازه نمی‌دید حداقل در حد نفس کشیدن که اجازه 	کنایه زدن
---	-----------

<ul style="list-style-type: none"> • بدید. • تیم رسانه‌های دولت در خواب ناز به سر می‌برن فقط بلدن پیامک‌های واتس‌آپی بزنی و بگن این توییتر رو حذف کنید و خط و نشون می‌کشن. رئیس‌جمهور باید شرمند تیم رسانه‌های‌اش باشه. 	
<ul style="list-style-type: none"> • از هم‌نظران و مقام‌های منتسب به دولت دعوت می‌کنیم که در این بحث شرکت کنند. 	فضای باز گفتمانی
<ul style="list-style-type: none"> • قصد تخریب رئیس‌جمهور را ندارم چون بالاترین مقام اجرایی کشور است. 	عدم تخریب
<ul style="list-style-type: none"> • مجموعه مطالبی که بیان کردم ممکن است ناشی از سواد ناقص و ناچیز و شاید برداشت اشتباه بنده باشد. 	پذیرش خطا
<ul style="list-style-type: none"> • بحث‌های قبلی به سمت بیان دستاوردها رفت و از سمت دیگر هم حالت مقابله‌ای شکل گرفت و نشد که زیاد تکنیکال و اثرگذار بحث کنیم. • هدف ما انتقاد صرف نیست، بهتره انتقاد به سمتی بره که توأم با راهکار باشه چون بالاخره این دولت تا پایان دوره قانونی حضور دارند. 	دعوت به بحث منطقی
<ul style="list-style-type: none"> • از شما تشکر می‌کنیم که همیشه با حفظ احترام سؤال‌های خود را مطرح می‌کنید. • اگه دچار لغزش‌های بیانی می‌شوم عذرخواهی می‌کنم. 	واکنش محترمانه
<ul style="list-style-type: none"> • اجازه دهید همین‌جا نکته‌ای عرض کنم. • اجازه دهید عرضم را تمام کنم. 	رعایت نوبت یا درخواست نوبت گفت‌وگو
<ul style="list-style-type: none"> • شما خودتون رو به اون راه زدید یا ما رو اون طوری فرض کردید. 	دوقطبی سازی
<ul style="list-style-type: none"> • خجالت آورده یک آدمی گانگستر مثل ...مرد سایه یک رسانه بشه. • افراد وزینی که اسم بردید چیزی جز فضاقت و فلاکت به بار نیاوردن به مدت بشینید کنار تا همه چی درست بشه. 	برجسب‌زدن/ متهم کردن
<ul style="list-style-type: none"> • حاکمیت باید دست ما رو هم ببوسه که اینجا اتاق فکر درست کردیم. 	ترجیح منفعت شخصی
<ul style="list-style-type: none"> • ما به خاطر نظام هی سکوت می‌کنیم، ولی اگه زبانمون باز بشه خیلی چیزها رو میشه، نذارید بگن چه کسانی تو توییتر به ما فحاشی می‌کنن از حیای ما سوء استفاده نکنید. 	تهدید به افشاگری
<ul style="list-style-type: none"> • این‌که از تجربه بنزین دولت قبل استفاده کردن و اشتباه اون‌ها رو تکرار نکردن و اول حساب‌ها رو شارژ کردن جای تقدیر داره. 	رعایت انصاف
<ul style="list-style-type: none"> • لطفا خارج از موضوع اتاق صحبت نکنید. 	هدایت گفت‌وگو

بحث و نتیجه‌گیری

مسئله اصلی این پژوهش نسبت بین شبکه‌های اجتماعی و حوزه عمومی است و شبکه اجتماعی کلاب هاوس به علت ویژگی گفت‌وگومحوری موردتوجه قرار گرفت. برای پاسخ به سؤال‌های پژوهش مبتنی بر نظریه حوزه عمومی و کنش ارتباطی هابرماس، یکی از اتاق‌های

کلاب «جدال داغ» که به موضوع جراحی اقتصادی و آزادسازی ارز ترجیحی اختصاص داشت، به‌عنوان نمونه انتخاب شد.

نظریه حوزه عمومی درصدد است حداقل شرایط ضروری برای قلمروی گفتمان آزاد را فراهم کند. گفت‌وگو در این عرصه هنگامی نقش رهایی‌بخش را ایفا می‌کند که تحت شرایط خاصی صورت پذیرد. از جمله این که شکل و محتوای گفت‌وگو می‌بایست عقلانی-انتقادی باشد. تحلیل مضمون گفت‌وگوهای کاربران این اتاق نشان می‌دهد که کاربران سعی کردند با «بیان استدلال، ارائه شواهد، استفاده از آمار و بیان راه‌حل» گزاره‌ها و مدعیات عقلانی در گفت‌وگو با سایر کاربران مطرح کنند. در مقابل، «کلی‌گویی و ادعای بدون سند» به‌عنوان مصادیق گفت‌وگوی غیرعقلانی شناخته شد. در یک گفت‌وگویی عقلانی، طرفین ناگزیرند برای متقاعد کردن دیگران به منطق و قواعد عقلانیت پابند باشند. چرا که از دل کشمکش نظری‌شان حقیقتی ظهور می‌کند. به این معنا، هر گفت‌وگویی محصول ارتباط زبانی است که انسان با دیگری برقرار می‌کند. یعنی زبان در رفت‌وآمد میان من و دیگری حقیقت را نمایان می‌سازد، و نه در شکلی انحصاری و نزد فردی خاص. به همین دلیل، مفهوم تساهل و مدارا در یک فرآیند گفت‌وگویی اهمیت پیدا می‌کند.

در همچنین به عقیده هابرماس در حوزه عمومی تنها باید درباره موضوعات مدنی مشترک بین شهروندان گفت‌وگو کرد و طرح موضوعات خصوصی مجاز نیست. (هابرماس، ۱۳۸۸) از این منظر انتخاب موضوعی در خصوص سیاست اقتصادی جدید دولت که بر روی زندگی همه ایرانیان تأثیر ملموس و محسوس خواهد داشت، با این ویژگی حوزه عمومی قابل تطبیق است. آنچه گفت‌وگو را هدایت می‌کند موضوع مشترکی است که شرکت‌کنندگان در بحث می‌خواهند آن را بفهمند. تنها با رجوع به آن موضوع مشترک می‌توان به فهم متقابل رسید. براساس مرکزیت موضوع روال گفت‌وگو باید طوری باشد که بتوان از شرکت‌کنندگان در آن سخن گفت. (فاضلی، ۱۳۸۹) حضور تعداد زیادی از کاربران و اختصاص زمان طولانی برای بحث پیرامون موضوع، نشان از علاقه کاربران برای بحث و گفت‌وگو در خصوص این‌گونه از موضوعات است و این پلتفرم ظرفیت مناسبی برای طرح دغدغه‌ها، نقد سیاست‌ها و هم‌فکری در خصوص آن‌ها دارد.

تحلیل کنش ارتباطی کاربران نیز نشان داد که «ایجاد دوقطبی و غیریت‌سازی، کنایه‌زدن، برجسب‌زدن، ترجیح منافع شخصی بر جمعی، تهدید به افشاگری» باعث مختل شدن فرآیند گفت‌وگو می‌شود و «ایجاد فضای باز گفتمانی، دعوت به بحث منطقی، رعایت انصاف، پذیرش

خطا، استفاده از تعابیر محترمانه، رعایت نوبت در گفت‌وگو و هدایت گفت‌وگو» از مهم‌ترین مصادیق کنش معطوف به تفاهم توسط کاربران است.

همچنین مشاهدات محقق نشان داد کاربرانی برای سخنرانی روی تالار حاضر شدند، که عمدتاً با اسم و هویت واقعی خود در کلاب هاوس فعالیت می‌کنند؛ استفاده از تصاویر غیرواقعی و اسامی مستعار باعث می‌شود تا مدیران گروه تمایل کمتری برای دعوت آنان به تالار نشان دهند. چرا که کاربران تمایل دارند با شخص و هویتی مشخص وارد گفت‌وگو شوند. همچنین، صوت محور و زنده‌بودن کلاب هاوس و امکان به چالش کشیده شدن در لحظه توسط سایر کاربران، باعث می‌شود تا افراد هنگام حضور در تالار معمولاً با تأمل و تفکر بیشتری اقدام کنند؛ برخلاف توئیتر یا اینستاگرام که کاربر یک پست را منتشر می‌کند و این امکان را دارد که اصلاً به کامنت‌های زیر پست خود پاسخ نگوید یا در زمانی دیگر پاسخ گوید و از همین‌رو، اصلاً جریانی دوسویه و تعاملی میان فرستنده و گیرنده پیام شکل نمی‌گیرد. همچنین تعامل آفلاین و مبتنی بر متن محدودیت و کیفیت به‌مراتب پایین‌تری نسبت به تعامل آنلاین و صوتی دارد.

حوزه عمومی آنلاین در فضای کلاب هاوس از جهاتی مورد تهدید قرار می‌گیرد؛ مسئله نخست، عدم دسترسی عموم شهروندان به شبکه‌های اجتماعی است. اقتضائات حضور در این پلتفرم‌ها، برخورداری حداقلی از سطحی از سواد رسانه‌ای و امکانات مالی و تکنولوژیکی است که برای بخشی از مردم دستیابی به آن‌ها به‌راحتی امکان‌پذیر نیست و در نتیجه محرومیت آن‌ها از چنین عرصه‌هایی را به دنبال دارد. از طرفی دیگر ساختار پلتفرم کلاب هاوس به‌گونه‌ای است که براساس نقش تعریف‌شده (مدیر، سخنران، شنونده) قدرت بیشتر یا کمتری به کاربران اعطا می‌کند؛ مدیران اتاق می‌توانند سایر کاربران را برای حضور در تالار دعوت و یا به قسمت شنوندگان منتقل کنند. نوبت‌دهی برای سخنرانی، زمان‌بندی، قطع صحبت کاربران، تشخیص این‌که کاربر در چارچوب موضوع صحبت می‌کند یا نه، باز گذاشتن یا بستن چت‌ها، پین کردن اخبار یا موضوعات مرتبط با بحث به بالای صفحه روم، هدایت و راهبری گفت‌وگوها ازجمله ابزارها و امکاناتی است که در اختیار مدیر اتاق است. همچنان که مدیر اتاق موردبررسی در این پژوهش نیز به‌تناوب و در لابه‌لای صحبت سایر کاربران، مواضع و دیدگاه‌های خود را مطرح می‌کرد و به‌نوعی سعی در هدایت مسیر گفت‌وگوها داشت و در چند نوبت با قطع صحبت سایر کاربران اجازه صحبت به آنان نداد. در حقیقت، نوعی سلسله‌مراتب عمودی در این شبکه

اجتماعی مشاهده می‌شود که با منطق اصلی این شبکه‌ها که عموماً افقی هستند، مغایرت دارد و از موارد نقض حوزه عمومی به حساب می‌آید.

از طرفی دیگر، حضور کاربران هم‌فکر و هم‌عقیده در اتاق و عدم دعوت از کاربران مخالف، یکی دیگر از تهدیدهای بالقوه در کلاب هاوس به شمار می‌رود. مسئله‌ای که به تدریج باعث می‌شود شاهد شکل‌گیری «اتاق‌های پژواک» در این پلتفرم باشیم.

عدم حضور مشارکت جدی و حضور زنان به‌عنوان سخنران، نیز می‌تواند یکی دیگر از مخاطرات حوزه عمومی آنلاین به حساب آید. همچنان که در بررسی کلاب جدال داغ مشاهده شد، هیچ‌یک از کاربران زن حاضر در نشست، به‌عنوان سخنران در تالار حضور پیدا نکردند و از این حیث شاهد ترکیبی یکدست مردانه بودیم. درحالی‌که هابرماس بر فراهم آوردن فضایی برای مشارکت اقلیت‌ها، اعم از اقلیت جنسی، نژادی در عرصه عمومی تأکید دارد.

منابع

- اندرو، ادگار. (۱۳۹۵). مفاهیم کلیدی در اندیشه هابرماس. (محمد. غلامی، مترجم) تهران: انتشارات دنیای اقتصاد.
- توماسن، لاسه. (۱۳۹۷). معمای هابرماس. (محمد. غلامی، مترجم) تهران: انتشارات دنیای اقتصاد.
- پیوزی، مایکل. (۱۳۹۳). یورگن هابرماس. (احمد. تدین، مترجم) تهران: انتشارات هرمس.
- خانیکی، هادی. عزیزی. اتابک و دیگران (۱۳۹۶). تحلیل وضعیت شبکه‌های مجازی در ایران با رویکرد حوزه عمومی هابرماس. فصلنامه مطالعات فرهنگ-ارتباطات، ۱۸.
- خجیر، یوسف. (۱۳۹۶). جامعه شبکه‌ای شده. پایان‌نامه دکترا. تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.
- شیخ انصاری، مهین. (۱۳۹۹). شبکه‌های اجتماعی مجازی و نظم اخلاقی گفت‌وگو در جامعه ایران. تهران: جامعه‌شناسان.
- فاضلی، اصغر و واعظی. فائزه (۱۳۸۹). دیالوگ، دیالکتیک، امتزاج افق‌ها. دو فصلنامه فلسفی شناخت، ۱/۶۲، صص. ۱۸۹-۲۱۴.
- فلیک، اووه. (۱۳۹۳). درآمدی بر تحقیق کیفی. (هادی. جلیلی، مترجم) تهران: نی.
- کرمانی، حسین. (۱۴۰۰). جزیره سرگردانی. تهران: لوگوس.
- کوهن، جین. (۱۳۸۳). حوزه عمومی، رسانه‌ها و جامعه مدنی. فصلنامه رسانه، صص. ۴۵-۶۸.
- گل محمدی، احمد. (۱۳۸۶). گفت‌وگو در فضای مجازی. پژوهش علوم سیاسی. صص ۱۶۵-۱۷۷.
- مهدیزاده، سید محمد مهدی. (۱۳۸۹). نظریه‌های رسانه؛ اندیشه‌های رایج و دیدگاه‌های انتقادی. تهران: انتشارات همشهری.

- ویت، ویلیام اوث. (۱۳۹۳). هابرماس؛ معرفی انتقادی. (لیلا. جوافشانی و حسن. چاوشیان، مترجم) تهران: نشر اختران.
- هابرماس، یورگن (۱۳۸۸). دگرگونی ساختاری حوزه عمومی. (جمال. محمدی، مترجم) تهران: نشر افکار.
- هابرماس، یورگن (۱۳۹۲). نظریه کنش ارتباطی. (کمال. پولادی، مترجم) تهران: نشر مرکز.
- Andrew, Edgar.(1395). *Habermas: The Key Concepts*,(M.Gholami, Trans) Tehran: Donya-e-Eqtesad
- publication (In Persian)
- Cohen, Jane.(1383). Public Sphere, Media and Civil Society, *Media Quarterly*, p 45-68 (In Persian)
- Erickson, L. B. (2011). Social media, social capital, and seniors: The impact of Facebook on bonding and bridging social capital of individuals over 65.
- Flick, Uwe.(1393). An introduction to qualitative research, (H.Jalili,) Ney:Tehran (In Persian)
- Golmohamadi, Ahmed .(1386). Dialouge in virtual space, *Political Science Research Quarterly*, p 177-165(In Persian)
- Habermas, Jürgen. (1388). THE THEORY OF COMMUNICATIVE ACTION. (J. Mohamadi, Trans.) Tehran: Afkar publication (In Persian)
- Habermas, Jürgen. (1392). *The Structural Transformation of the Public Sphere*. (K.Pouladi, Trans). Tehran: Markaz publication (In Persian)
- Habermas, Jürgen. (1987). *THE THEORY OF COMMUNICATIVE ACTION*. (T. McCarthy, Trans.) Boston: Beacon Press.
- Habermas, Jürgen. (1991). *The Structural Transformation of the Public Sphere*. (T. Burger, Trans.) Cambridge, Massachusetts: The MIT Press.
- Harrison Rainie, Barry Wellman. (2014). *Networked: The New Social Operating System*. The MIT Press.
- Hague, B. N., & Loader, B. D. (Eds.). (2005). *Digital democracy: Discourse and decision making in the information age*. Routledge.
- Khaniki, Hadi, Aizi, Atabak. (1396). The situational Analysis of virtual social networks in Iran by Habermasian's public sphere Approach,. *Culture-Communication Studies Quarterly*, (In Persian)
- Kermani, Hossein.(1400). *Jazire-ye Sargardani* , Tehran: logos publication(In Persian)
- khojir ,Yousef .(1396). Networked society: The role of social networks and mobile messaging software in the development of civil society in Iran, Allameh Tabatabaei University. (In Persian)
- Kushin, M. J., & Kitchener, K. (2009). Getting political on social network sites: Exploring online political discourse on Facebook. *First Monday*.

- Lewis A. Friedland, Thomas Hove, Hernando Rojas. (2006). The networked public sphere. *Javnost / The Public*, 13, 5-26.
doi:10.1080/13183222.2006.11008922
- Mansourifar, Hadi. (2021). Hate Speech Detection in Clubhouse.
- Mehdizade, Syed Mohammad Mahdi.(1389), Media Theory: Common thoughts and critical views, Tehran:Hamshahri publication. (In Persian)
- Papacharissi, Z. (2008). Public Sphere and Beyond 1The Virtual Sphere 2.0: The Internet, the Public Sphere and beyond.
- Piozzi, Michael, (1393). Jürgen Habermas, (A.Tadayon, Trans) Tehran, Hermes Publication(In Persian)
- Outhwaite, Wiliam .(1393). Habermas: A critical troduction, (H,Chavoshiyan,Trans) Tehran: Akhtaran publication (In Persian)
- Rainie, H., & Wellman, B. (2012). *Networked: The new social operating system* (Vol. 10). Cambridge, MA: Mit Press.
- Rheingold, H. (1993). A slice of life in my virtual community. *Global networks: Computers and international communication*, 57-80.
- Sheikh Ansari,Mahin.(1399).The Virtual Social Networks and Moral Order of Dialouue in Contemporary Iranian Society,Jameehshenasan publication. (In Persian)
- Thomassen, Lasse, (1397). Habermas : a guide for the perplexed, (M.Gholami, Trans) Tehran: Donya-e-Eqtesad publication
- Vaezi, Mohamad, faeze.fazeli.(1389). DIALOUGE, Dialectic, Fusion of Horizons, Philosophical Quarterly of Cognition, p 189-214 (In Persian)